

ولسی جرگه یا جهادی جرگه ؟

الف - محشور

پس از انتخابات گونه ی جنجال بر انگیز ماه سنبله و پس از چهار ماه نیرنگ ها ، فریب ها ، چال ها ، چانه زدن ها ، ((تالچال)) رفتن ها ، تهدید ها ، به داوری کشیدن ها و دست درازیهایی از درون و بیرون ، اینک ولسی جرگه ی نام نهاد افغانستان در حضور دوسو چهل و نه وکیل ، بیست و چند وزیر سدیو چند مهمان و هزارو چند نیروی امنیتی در پس از چاشت ششم دلو سالجاری خورشیدی (۲۶ جنوری سالجاری ترسایي) گشایش یافت .

تمام انتخابات دهه ی پسین و از آن جمله انتخابات ولسی جرگه ی موجود ، نسبت نارسایی ها و جهالت خودی ، دست درازیهای بیگانگان و موجودیت جنگسالاران و جنگ طلبان هیچ گاهی عادلانه شفاف و دادگرانه نبوده و نخواهد بود زیرا موجودیت اینها سد راه شفافیت و عدالت میشود .

در دنیای امروز ، نظام های دموکراتیک بالای سه پایه ی اساسی (قوه ی مقننه ، اجراییه و قضاییه) استوار هستند که درین جمله مهمترین همه قوه ی مقننه میباشد ، زیرا این اورگان پایه های حقوقی و قانونی جامعه را هست میکند که در روشنی و در مطابقت با آن هم مردم و هم اورگانهای دیگر کار و فعالیت و زندگی میکنند و هرگاه این پایه موجود نباشد و یا معیوب باشد دوام زندگی دموکراتیک نظام ها زیر پرسش جدی میرود .

صلاحیت و اهمیت این اورگان از آنست که اعضای آن راسا از طرف مردم برگزیده میشوند . انتخابات برای گزینش نمایندگان در جوامع دموکراتیک بر پایه های پنجگانه ی : ((عادلانه ، همه گانی ، آزاد ، مستقیم ، سری)) استوارست و هرگاه یکی ازین پایه ها موجود نباشد آن انتخابات را نمیتوان مشروع نامید .

حال هرگاه در روشنی همین اصول پذیرفته شده ی جهانی ، انتخابات پسین ولسی جرگه ی افغانستانرا به ارزیابی بگیریم دیده میشود که این به اصطلاح انتخابات نه از یک یادو یا بلکه از هر پنج پا ، نه تنها میلنگد که اصلا بدون این پاها میباشد . زیرا :

نخست از همه این گویا انتخابات ، همه گانی نبود یعنی همه مردم امکان گزیدن یا گزیده شدن را نداشتند (مردمان ساکن در ولایت غزنی ، ولایت زابل ، ولایت ارزگان ، ولایت هلمند ، ولایت کندهار و ... یا اکثریت قریب به اتفاق شان یا اکثریت شان و یا تعداد از ایشان درین به اصطلاح انتخابات یا نتوانستند یا گذاشته نشدند که ازین حق حقه ی خود استفاده کنند) .

دو دیگر اینکه نسبت مداخلات و دست درازیهای جنگسالاران ، متنفذین محلی ، مسوولین دولتی و پولدارانیکه از برکت جهاد ملیونر شده اند ، مردم نتوانستند از حق بر گزیدن و برگزیده شدن ، آزادانه بهره گیرند . سوم اینکه کاندیدانیکه با پول و یا زور آرای مردم را بدست میآوردند برای اینکه مطمئن شوند ، کارت هارا از مردم گرفته و همه را توسط گماشتگان خود به صندوق ها میانداختند که با این کار ، اصل مستقیم بودن و سری بودن انتخابات نقض و پامال گردیده است .

وسر انجام با نبود چهار اصلیکه در بالا گفته شد اصل مهم یعنی عادلانہ بودن انتخابات خود به خود

از بین رفته است .

یکی از ویژگیهای شگفت آور انتخابات گونه ی اخیر افغانستان پامال شدن خشن حق ((تعین سرنوشت ملت ها بدست خود شان)) میباشد . جریان گزینش نمایندگان در ولایت غزنی ، و دیگر ولایات نا امن ، شاهد گویای این حقیقت میباشد . زیرا کسانیکه از مردمان آن ولایات در ولسی جرگه نمایندگی میکنند نه تنها که رای آنها را بدست نیاورده اند بلکه اصلا آن مردم این نمایندگانرا نمیشناسند ، پس چگونه میتوانند از آنها نمایندگی کنند ؟

هرگاه به ترکیب این مجلس ژرف نگرانه دیده شود نمیتوان به کارایی آن امیدی داشت

زیرا تعداد نمایندگان روشنفکر ، آگاه ، تحول طلب ، تحصیل کرده و هدفمند بسیار اندک و در اقلیت کامل قرار دارند و این تعداد کم نیز در بند تبار گرایی ، زبان گرایی ، تنظیم گرایی ، محل گرایی و .. دست و پا میزنند . پس هرگاه مجلس گذشته که با ترکیب بهتر ازین مجلس بود ، قانون را قاچاق میکرد (نشر قانون عفو جنگ سالاران و دیگر مجرمین جنگی در جریده ی رسمی بدون طی مراحل قانونی) و پیوسته راه ستیز و عدم همکاری با حکومت و قضا را در پیش گرفته بود ، ازین مجلس با ترکیب به مراتب بدتر چه انتظاری میتوان داشت ؟

خوشنماتر اینکه فردای ختم انتخابات اشخاص و محافل معینی با ابراز زور نمایی ها و تهدید ها امید همکاری و ایفای خدمات لازم به مردم و کشور را به چالش گرفتند . ((عبدالله عبدالله معاون نظامی شورای نظار و رهبر مخالفین دولت ، اظهار داشت که ما در مجلس فعلی بیشتر از نود نفر نماینده داریم)) وی اضافه نمود که ((حالا همرازی میفهمم !)) . مسولین حزب وحدت نیز ادعای داشتن بیشتر از هفتاد نماینده را نموده اند ، که بدین صورت از مجموع دوسدو چهل و چند نماینده یکسدو شستو چند نماینده ی آن در صف اپوزیشن قرار دارند و هشتادو چند نماینده ی باقیمانده نیز همه حامیان دولت کرسی نخواهند بود زیرا بیطرف هارا هر کس میتواند ((بخرد)) ویا ((رام)) کند .

هکذا اکثریت قریب به اتفاق کسانیکه به این مجلس راه یافته اند کم سواد و حتی بیسواد و از قوماندانان و تفنگ بدستان جهادی میباشدند ازینرو میتوان آنرا بجای ولسی جرگه ((جهادی جرگه)) نامید .

موجز اینکه با این ترکیب و این ماهیت مردم افغانستان هیچ امیدخدمت ازین به اصطلاح ولسی جرگه ندارند ولی همسایه های آژمند و مداخله گری چون ایران و پاکستان ((بویژه ایران که بههدف صدور انقلاب اسلامی و اهداف دراز مدت دیگر خود در همه گستره ها سرمایه گذاری کرده و میکند)) در آن بیشتر هواخواه و خدمت گزار دارند که بدین وسیله خواهند توانست مداخلات آزمندانه ی شانرا قانونمند ساخته و آتش بحران مزمن جاری درین کشور را برای رسیدن به اهداف شوم شان دامن بزنند و آنرا گسترده تر سازند .